

واکاوی در عوامل موثر در صدور فتوی
و نقش آن ها در استنباط فقهی

تهیه و تدوین:

دکتر علی اکبر ابوالحسینی

سرشناسه	: ابوالحسنی، علی اکبر، ۱۳۳۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: واکاوی در عوامل موثر در صدور فتوی و نقش آن‌ها در استنباط فقهی/ تهیه و تدوین علی اکبر ابوالحسنی.
مشخصات نشر	: بابل : مسجد مقدس محدثین، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۱۵۲ ص.
شابک	: 978-600-94676-6-2
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: فقه شیعه -- قرن ۱۴ -- نقد و تفسیر
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۴ و ۲۴۵/۹ الف BP۱۸۳
رده بندی دیو	: ۲۹۷/۳۴۲۲
شماره کتبناوب ملی	: ۴۱۴۸۴۴۴



نام کتاب: واکاوی در عوامل موثر در صدور فتوی و نقش آن‌ها در استنباط فقهی

مؤلف: علی اکبر ابوالحسنی

ناشر: انتشارات مسجد مقدس محدثین بابل

نویت چاپ: اول. تابستان ۱۳۹۵. چاپخانه نیما، بابلسر

صفحه آرا: مریم آرام

طراح جلد: واحد گرافیک انتشارات، علیرضا امیرسلیمانی

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

محل نشر: بابل، خیابان شهید نواب صفوی، جنب مسجد مقدس محدثین.

بهاء: ۶۰۰۰ تومان

مرکز پخش: دفتر انتشارات و فروشگاه محصولات فرهنگی مسجد مقدس محدثین.

تلفن: (۰۲۲۲۹۳۲۳۳-۲۲۰۸۹۶۱) ۰۱۱۱-مدیر فروش: مهدی داودی ۰۹۱۱۱۱۸۳۳۳۳

پایگاه اینترنتی: www.mohaddesin.ir

(حق چاپ فقط برای ناشر محفوظ است)

فهرست مطالب

۷	چکیده
۸	مقدمه
۱۰	فصل اول: حکم و تقسیمات آن
۱۱	۱-۱: تعریف حکم از نظر لغوی
۱۳	۲-۱: حکم از نظر اصطلاح فقهی
۱۷	۳-۱: احکام واقعی و ظاهری
۲۰	۴-۱: احکام اولیه و ثانویه
۲۳	۵-۱: احکام ثابت متغیر
۲۴	۶-۱: فرق بین عوی حکم
۲۷	فصل دوم: عوامل تغییر ده حکم فتوی و استنباطات فقهی
۲۸	الف: تغییر موضوعات احکام
۳۱	ب: ایجاد منفعت جدید
۳۳	ج: موضوع حکم عرفی باشد
۳۵	د: وضعیت زندگی عمومی جامعه
۳۶	ه: تفریع فروع و مصداق یابی و جری کبراهای کلی و مصادی
۳۷	و: نیازهای جدید علمی
۳۷	ز: وضعیت و حالات مختلف مکلف
۳۸	ح: احکام حکومتی
۴۱	ط: باب تزاحم یا اهم و مهم
۴۳	ی: جهت صدور روایات و آگاهی از شرایط زمانی و مکانی آنها
۴۷	ک: تبدل موضوع
۵۰	ل: اختلاف در فهم نصوص و منابع اجتهاد
۵۴	م: تعمیم و توسعه موضوع و احکام
۵۶	ن: منفعت و مصلحت عقلایی
۶۰	س: تخصیص و تضییق موضوع و احکام
۶۱	ع: جهات و مقاصد محلله و عدم آن
۶۴	ف: تطبیق موضوع
۶۵	ض: تخصیص حکم به زمان و مکان خاص
۶۹	ق: امضایی بودن برخی احکام
۷۲	ر: مصالح حکومتی
۷۳	ت: عناوین ثانویه و تزاحم احکام
۷۴	ث: تقنین در منطقه الفراغ
۷۶	خ: پیشرفت علوم و تکنولوژی

۷۹	ذ: تغییر احکام بخاطر تغییر ملاکات
۸۷	ض: پاسخگویی به نیازهای واقعی (واقع نگری در فقه)
۸۹	ظ: اصل تبعیت احکام از مصالح و مفاسد واقعی
۹۵	غ: قاعده لاضرر
۹۷	یا: قاعده نفی عسر و حرج
۱۰۱	یب: اضطرار
۱۰۳	یج: تقيه
۱۱۰	ید: مقدمه واجب یا حرام
۱۱۲	یه: نذر
۱۱۴	یو: قسم
۱۱۷	یز: عهد
۱۱۸	یح: منع پدرشوهر
۱۱۹	یط: عجز
۱۲۰	ک: کیفیت اخذ عناوین در حکم
۱۲۱	کا: رعایت مصالح اسلام و مسلمانان در حکم اسلامی
۱۲۶	کب: احکام معاملی
۱۲۸	کج: اختلاف فتوی و برداشت بخاطر تاثیرات روانی
۱۲۹	کد: تطبیق قواعد کلی بر مصادیق
۱۳۰	که: موضوعات جدید و مستحدثه (حوادث واقعه)
۱۳۲	کو: تغییر در متعلقات احکام
۱۳۳	کز: تغییر احکام بخاطر تغییر عادات
۱۳۷	کح: دگرگونی در قیود و بعضی از صفات
۱۳۸	کط: دگرگونی در مصادیق موضوع
۱۳۹	ل: دگرگونی اسم و عنوان موضوع
۱۴۰	لا: عامل تدریج و سیر تدریجی تشریع احکام
۱۴۳	لب: اختلاف حکم به خاطر تخفیف در تکالیف
۱۴۴	لج: تغییر حکم بخاطر تغییر علت
۱۴۹	نتیجه گیری
۱۵۱	فهرست منابع و مآخذ

چکیده

مقوله «ثبات» و «تغییر» در احکام، از زوایای چندی می تواند مورد بحث و کنکاش قرار گیرد. گاه در حوزه تأثیر گذار زمان و مکان بر موضوعات احکام، و گاه در بررسی نقش عناصری که بر حوزه استنباط و فهم مجتهد از ادله تأثیر می گذارد، گاه نیز در چارچوب اختیارات حاکم و مصالح عامه جامعه.

در این نوشتار به هر یک از محورهای مطرح شده است، یعنی هم به نقش زمان و مکان در موضوعات احکام و هم به عوامل و عناصری که در حوزه استنباط و فهم فقیه از ادله احکام اثر می گذارد، و هم به احکام ثانوی که بنابر اختیارات حاکم اسلامی و مصالح عمومی جامعه مطرح می شود، پرداخته شده است.

بنابراین مسأله تحول و تطور احکام و تأثیر عناصر مذکور بر تحول و دگرگونی در احکام و در رأس آن ها دو عنصر زمان و مکان، از دیرباز مورد توجه و بحث حقها و دانشمندان علوم اسلامی قرار داشته است. تعبیر رایج در این عصر، همانند فقه پویا، فقه حکومتی، مدیریت فقهی، فقه گردشگری و فقه سیاسی و... نیز مولود همین مباحث است.

البته باید توجه داشت که از دیدگاه اسلامی نه هر چیز جدیدی بدعت است و نه هر کهنه ای، سنت، اسلام در حوزه فرهنگ خود دارای دو نوع حکم است: یک دسته احکام ثابت و تغییر ناپذیر، و دسته دوم، احکام متغیر. طبیعی است که دسته دوم با حفظ محوریت دسته اول، از چند گاه و در مکان ها و یا تحت تأثیر عواملی دیگر، ممکن است به نوعی دستخوش تحول و دگرگونی شود.

همانطور که گفته شد در این نوشتار، سعی شده است به بسیاری از عوامل و اسبابی که موجب تغییر و تحول احکام، می شود، اشاره شود، و اگر استقصاء و تفحص بیشتری صورت گیرد، شاید عوامل دیگری که در تغییر حکم و استنباط و فتوای مجتهد نقش دارد، وجود داشته باشد، و می شود به این عوامل اضافه کرد.

مقدمه

از واقعیت‌های انکار ناپذیر، پذیرش جنبه‌های متغیر در زندگی انسان و به تبع آن وجود احکامی موسّع و قابل تغییر در دین است و این به معنی پذیرش احتمال تغییر در برخی احکام است که مربوط به همین جنبه‌های متبدل و متحول زندگی آدمی است.

بدون شک از زمان فطرت و نیازهای فطری ثابتی دارد که احکام ثابت شریعت پاسخگوی همین جنبه پایدار در زندگی فرد و اجتماع است، مانند نیاز به عبادت، نیاز به تعالی اخلاق، نیاز به آزادی و امنیت و عدالت و نفی تعصّب، تأمل حداقل رفاه، نکاح و... در عین حال به مرور زمان شکل زندگی انسانها و نحوه استفاده آنها از طبیعت و شیوه تسخیر آن و نیز نحوه ارتباطات اجتماعی و نهادهای جامعه دستخوش تغییر و تحول گردیده و اساس پیوسته روابط جدید و پیچیده تری با محیط و با هم نوع خود پیدا می‌کند.

در عین حال فتح باب اجتهاد در منطق شیعی، همواره این فرصت را در اختیار می‌نهد که در چارچوب «تفریع» و نیز بازشناسی موضوع، از یک طرف با انگوی نیازهای «حادث» باشد و از طرف دیگر، عنصر واقع نگری در تطبیق احکام و فروع بر موضوعات و در نتیجه همسویی با مصالح و علل احکام، حفظ شود.

پیداست که هیچ قانونگذاری نمی‌تواند جزء به جزء و مورد به مورد احکام موضوعات حال و آینده را پیشاپیش اعلان کند. ویژگی قانونگذاری این است که توان ارائه اصول و قواعدی فراگیر را داشته باشد که در هر زمینه و شرایطی، پاسخگوی نیاز انسان را داشته باشد.

از این رو آن دسته احادیث که تأکید می‌ورزد شریعت اسلامی، همه مسائل و نیازهای انسانی را پاسخگوست و از مهمترین امور اجتماعی تا جزئی ترین وقایع زندگی، مشمول تشریع و احکام اسلام است، لزوماً به معنای بیان مورد به مورد احکام نیست، چنان که در بیان امام صادق (ع) آمده است: «علینا ان تلقی الیکم الاصول و علیکم ان تفرعوا»^۱ و یا از زبان امام رضا (ع) می‌خوانیم: «علینا اللقاء الاصول و علیکم التفریع».^۲

^۱ - مجلسی، بحار الانوار، جلد ۲، ص ۵۴.

^۲ - همان، جلد ۲، ص ۵۳.